

افسانه نگاری

۲

بقلم آقای لطفعلی صورتگر

چنانکه در شمارهٔ پیش اشاره شد اختراع و تکمیل چاپ که موجب انتشار نسخ متعدد و ارزان کتب گردید عدهٔ آن کسان را که ذوق و میل شنیدن افسانه داشتند زیاد کرد.

از آن به بعد کسانی که آداب و رسوم زندگانی دستوری رفتن بمجالس عمومی و شنیدن داستان قصه سرایان نمی داد توانستند بدون آنکه بمقام و مرتبهٔ آنها شکستی وارد آید در خلوتخانهٔ خویش بمطالعهٔ کتب پردازند و خاطر را بخواندن افسانه مشغول بدارند. از طرف دیگر بسیاری از داستانها که تاب نقل و قصه نیاورده و قواعد ادب آنها را مکتوم و در پرده میخواست در کتب چاپ شده راه پیدا کرد. زیرا چنین داستانها کیفیت سرتی را داشت که نویسنده تنها برای خواننده افشا کرده و گوش نامحرم آنها را نشنیده باشد. بعلاوه هر چند خوانندگان بشمار بودند باز هر یک تنها با نویسنده ارتباط داشته آنچه میخواندند جنبهٔ فسق برملا پیدا نمیکرد و از همین روی داستان دوکامرون تألیف بوکاچیوی^۱ ایطالیائی و نظائر آن مجال توزیع و انتشار پیدا کرد.

امانتها اختراع چاپ برای رونق و پیشرفت فن افسانه نگاری کافی نبود و برای اینکه داستانها از آن روش یکنواخت کهنه رهائی یافته جائی تازه پیدا کنند لازم بود ذوق خوانندگان نیز تغییر کند و مشربهای کالای جدید پدید آیند تا نویسندگان نیز از تقلید گذشتگان مانند هر دوت نویسندهٔ داستان گنجینهٔ رامسی نی توس^۲ و امثال وی پرهیز

Boccacio — ۱

Rhapsinitus Treasure Chamber (باب بکصد و بیست و یکم از کتاب

دوم هر دوت)

کرده در داستانشانها بشرح فلسفه زندگانی و بیان احساسات و افکار نهانی انسان پیردازند و این قسمت از فنون ادبی را رونقی شایان بخشیده منزلتی ارجمند بدهند.

نیاثرها و مجالس رقص برای این تغییر یا تحریک ذوق مناسب نبود زیرا اولاً دوره قدرت «درام» سرآمده و ثانیاً زندگانی اعتیادی و خانوادگی که آداب و رسوم آن در نمو ملکات افراد مؤثر است موضوع مناسب بادرام بدست نمیداد. هجو و مطایبه نیز همه تطورات حیات را نمی توانست عهده نماید و اگر افسانه میبایستی از تصور و پندار شاعرانه در گذشته بکشف و تشریح حقایق حیات پیردازد محل دیگری غیر از صحنه نیاثر لازم بود که هم مردم بدان اقبال کنند و هم نویسندگان از آنجا برای بیان افکار خویش مایه بردارند.

این محل جدید در اروپا در قرن هفدهم مسیحی پدید آمد، یعنی قهوه خانه های شهرها تدریجاً افراد طبقه متوسطه را که هر یک در نتیجه زحمت و هنرمندی خویش کسب شهرت یا ثروت کرده طبقه مهم و شاخص ملل میشدند پذیرفت.

کسانیکه همه روز در این میعادهای ساده جمع میشدند و با یکدیگر آمیزش پیدا میکردند بتدریج در اخلاق و آداب و طرز زندگانی دوستان و آشنایان خویش دقت کردند و چون از وسائل خوشگذرانی ثروتمندان آن عهد بیزار بودند و یا بمناسبت نداشتن القاب بدانها راه نمی یافتند، مسرت و گذرانیدن اوقات فراغت را بصحبت و شنیدن اخبار پر داختمند. چندی نگذشت که این ذوق تقویت یافته از گفتگو و مشاهده رفتار آشنایان بمطالعه در طبایع مردم و دقت معایب و محاسن آنها تجاوز نمود و در شناختن روحیات مردم و تجزیه اعمال و افکار مسرت یافت. این میل یک رابطه و آمیزش نوینی میان افراد پدید آورد و کسانی که در روزگار گذشته دستخوش سخریه شده و رفتارشان رابادیده اعجاب مینگریستند مورد اشفاق و همدردی واقع شدند و بردباری نسبت بمردم و تحمل خوب و بد طبایع دستور اخلاقی بزرگ گردید و احترام بمعقاید و افکار اشخاص راهنمای زندگانی بشمار آمد.

از سوی دیگر انجمن های خصوصی (کلوب) نیز تشکیل یافته و مردم بانو

که طبقه خوانندگان و نویسندگان را تشکیل میدادند باین محافل در آمده، صحبت و محاضرات آنها سلیقه و ذوق و افکار جدید ایجاد کرد. طرز نویسندگی روزگار پیشین که تابع واسیر کتب متقدمین و طبایع عامه بود و سبک تحریری که رعایت قواعد بدیع و صنایع لفظی را واجب می‌شمرد بتدریج از میان رفته و رغبتی پدید آمد که همانطور که سخن در حال اعتمادی بزبان می‌آید همانطور نیز بر صفحه نگاشته شود و بدین طریق سبک نویسندگان گذشته بتدریج از ابهت خویش کاست و سبکی نو که عبارات و اصطلاحات معمولی را بی‌واهمه می‌پذیرفت جایگیر آن گشت.

در این ضمن علوم نیز در کار تکمیل بود و دانشمندان در کشف موجبات افکار و اعمال انسانی بکاوش و جستجو پرداختند و ازین روی يك طرز جدید افسانه نگاری که نمونه های گوناگون طبایع را توصیف می‌کرد و اساسش بر حقیقت بینی بود بوجود آمد.

سر حلقه این نویسندگان دانیال دفو^۱ انگلیسی است که میتوان او را مقتدای سبک نوین افسانه نگاری شناخت. این نویسنده همت کرد نازندگانی را چنانکه بچشم وی می‌آید توصیف کند و در بیان حقایق نه‌بفنون ادبی توجهی داشت و نه برای افسانه نگاری اسلوبی مشخص و ممتاز برگزید. این نویسنده دریافت که هیئت اجتماع شیفته شنیدن حقایق و قطع می‌تند و بنا بر این حقایقی را که در طول زندگانی و حشر و آمیزش با مردم بچنگ آورده بود لباس سفرنامه یا تاریخ حیات یا سرگذشت پوشانیده و بخریداران یدشمار رسانید.

بهمین جهت در داستان معروف رابینسن کروزو^۲ گذارش زندگانی کسی را که در اثر شکستن کشتی در جزیره غیر مسکون افتاده کارهایی را که برای تهیه غذا و لباس و خانه بادیست تنها انجام داده است بنگاشت و با تجربیات و اطلاعات شخصی خویش جزئیات مناظر و اعمال را تشریح نمود.

Daniel Defoe — ۱

Robinson Crusoe — ۲

بهمین کیفیت اشخاص و طبایعی را از زندگانی معاصرین خویش برگزیده و آن کسان را که اهمیت و منزات اجتماعی نداشتند ولی نمایندهٔ زباندار طباع مائوس و آشنا بودند باخامهٔ حقیقت بین خود توصیف کرد و بآنها حیات و روح و احساس بخشید. تفاوت سبک دفو در توصیف خصال و طبایع با طرز توصیف نویسندگان درام این بود که آنها وقایع مهمه را برگزیده و داستان را برای نشان دادن خوب و بد زندگانی تهیه می کردند و دفو توجهی مخصوص بوقایع مهمهٔ حیات اشخاص نداشت و این وقایع را چنانکه در زندگانی اعتیادی میان هزاران واقعات غیر مهمهٔ دیگر پیدایش می آمد ثبت میکرد. همینطور هر کجا که حکمت و پندار و اندرز ضرورت پیدا مینمود این ضرورت را تنها برای راضی ساختن خوانندگان که مایلند در خواندن اعمال مذمومه سخنی بعنوان نصیحت بشنوند تعهد میکرد.

باین کیفیت یعنی بوسیلهٔ مردم معمولی که شرح زندگانی خویش را بدون هیچ پیرایه و در کمال سادگی بیان میکنند این نویسندهٔ زبردست مردم را بر آن داشت که در حکایات وی حقیقتی را بنگرند و هر چند که وقوع همهٔ داستان باور کردنی نباشد باز از پشت پردهٔ روشنائی راستی را بنگرند.

نویسندهٔ بزرگ دیگر انگلیسی^۱ (سوئفت) سبک دیگری در حقیقت بینی اتخاذ کرد بدین معنی که حقیقت را در غیر ممکن جلوه دادن وقایع ممکن الوقوع مندرج ساخت. این بدان که بنظر پیچیدگی و ابهامی دارد و ظاهراً نتیجهٔ آن نقیض مدعا جلوه میکند در واقع سبک این نویسنده را معروف خوبی است زیرا او داستان معروف «مسافرت های گولیور»^۲ را در کشور اسبها و کوتاه قامتان که هر يك ببلندی بند انگشتی بیش نیستند و وسیلهٔ حمله و انتقاد باخلاق و آداب طبقات ممتاز کشور خویش قرار داده و حقیقت بینی محض و بدون پروا را در آن رعایت کرده است.

نویسندهٔ دیگر بنام ریچاردسون^۳ تجربیات و مشاهدات خویش را نسبت بجهان

Jonathan swift — ۱

Gulliver Travels — ۲

Samuel Richardson — ۳

زنان بشکل مراسلاتی که مجموع آنها بشکل کتابی تدوین شده با دقت مخصوص به حقیقت و راستی برشته تحریر در آورده است. در داستان های این نویسنده زندگانی مادی انسان مورد توجه نیست بلکه خامه وی دنیای غیر مرئی احساسات و افکار را میدان هنر نمائی خویش خواسته است. منتها در این دنیای غیر مرئی نیز مانند فو برای وقایع و انقلابات بزرگ اهمیت مخصوصی قائل نشده و این واقعات را جزو سایر وقایع معمولی آورده است. فیلدینگ^۱ نویسنده بزرگ انگلیسی دیگر که در اوائل قرن هیجدهم میزیسته است نخستین کسی است که عقاید جدیدی در طرز نوشتن افسانه های متکی بر حقائق نگاشته است. به عقیده وی افسانه قسمتی از آثار قهرمانی بشریت را تشکیل می دهد و بنابراین نماینده تمام اطلاعات علمی و دارائی آزمایش های اوست و در مرحله کمال باید مقام و منزلت علم پیدا کرده از مرء فنون خارج شود. این عقیده را بعدها امیل زولا^۲ نویسنده معروف فرانسوی تقویت کرده و بوسیله آثار خالده خویش ابهتی مخصوص بآن بخشید.

سبک های گوناگون فوق که در قرن هفدهم و هیجدهم میلادی پدید آمده بود یکصد سال مورد تمرین و آزمایش قرار گرفته و از امتزاج یا آشکار شدن معایب و نواقص آنها افسانه نگاری رونق و شکوه شایان یافت و این فن بزرگترین و سودمندترین فنون ادب گردید آنجا که نویسندگان بزرگ از شعر در گذشته بزرگی و عظمت روح و فکر خویش را بوسیله افسانه بعالم متمدن تقدیم کردند. و داستان ترقی و پیشرفت این فن در قرن نوزدهم و بحث در رموز این فن مجالی وسیعتر و مقاله دیگر را ضرور خواهد داشت.